

باستان‌شناسی کاربردی و اثرات آن در زندگی مردمان امروزی

اکبر پورفرج

دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی

چکیده

باستان‌شناسی در راه شناخت فرهنگ و تمدنهای جوامع گذشته در طی یک قرن و نیم اخیر قدمهای بسیار بزرگی برداشته و روح تازه‌ای را در کالبد علوم اجتماعی و هنر دمیده است. اما تا چند دهه قبل بعدکاربردی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته بود و اهداف باستان‌شناسی را شناخت فرهنگ و تمدنهای باستان تشکیل می‌داد. ولی با کمی تأمل می‌توان دریافت که باستان‌شناسی می‌تواند نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی مردمان امروزی داشته باشد، چرا که یافته‌های باستان‌شناسی گنجینه‌های تجربه مردمان باستان است.

در این مقاله باستان‌شناسی کاربردی در پنج بُعد مورد بررسی قرار گرفته که عبارتند از:

۱- کاربرد باستان‌شناسی در پرورش عمومی و آموزش و پرورش

۲- کاربردهای تکنولوژی

۳- کاربرد باستان‌شناسی در وحدت فرهنگی و ملی

۴- کاربرد باستان‌شناسی در مدیریت منابع فرهنگی

۵- کاربرد باستان‌شناسی در جلب جهانگرد فرهنگی.

کلید واژه: باستان‌شناسی - فرهنگ - موزه‌ها - جهانگردی فرهنگی - آموزش و پرورش - تکنولوژی.

مقدمه

امروزه، داده‌های باستان‌شناسی مورد استفاده بسیاری از پژوهشگران علوم دیگر است و کمتر مطلبی در حوزه علوم انسانی و هنر نگاشته شده که در آن اشاره‌ای به یافته‌های باستان‌شناسی نشود. باستان‌شناسی با تکیه بر اصول و روشهای کارآمد توانسته محدوده تاریخ زندگی بشر را به طور غیرقابل تصویری در بستر تاریک زمان به عقب‌تر بکشاند، موضوعی که پیش‌تر حتی تصور آن غیرممکن می‌نمود. قدمت بشر ابزارساز در بخش‌هایی از آفریقا بیش از ۲/۵ میلیون سال می‌رسد. ولی با وجود گستردگی اطلاعات و داده‌های باستان‌شناسی، تا چند دهه قبل، ارتباط و پیوند داده‌ها با مردمان جوامع امروزی و رفع نیازهای آنها کمتر مورد توجه بود. اینک، در باستان‌شناسی جدید رسالت اصلی باستان‌شناسی، تنها شناخت فرهنگ و تمدن مردمان باستان نیست، بل بایستی داده‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی به کمک باستان‌شناسان و متخصصین سایر علوم، وارد زندگی جوامع امروزی شده و در غنای فرهنگی آنها نقش سازنده‌ای برعهده گیرد. چنین فعالیت‌های میان رشته‌ای امروزه بخش عظیمی از پژوهش‌های باستان‌شناسی را تشکیل می‌دهد.

باستان‌شناسی کاربردی را از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان مورد توجه قرار داد که در

این مقاله پنج بُعد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- کاربرد باستان‌شناسی در پرورش عمومی و آموزش و پرورش:

قرن‌هاست که دانشمندان بر این باورند که گذشته چراغ راه آینده است، باستان‌شناسان پیرو

مکتب روندگرایی، اغلب اذعان داشته‌اند که به کمک باستان‌شناسی می‌توان تغییرات جوامع معاصر را درک و تغییرات و تحولات آینده را پیش‌بینی کرد (دارک ۱۳۷۹: ۴۹). اگر باستان‌شناسی در مسیر واقعی خود حرکت نماید می‌تواند در شکوفایی و تکامل فرهنگی و علمی مردمان امروزی نقش مؤثری داشته باشد لذا بایستی راههای رسیدن به این هدف را جستجو کرد، یکی از این راهها بازدید مردم از محوطه‌های باستان‌شناسی در حال حفاری می‌باشد. مثال واقعی این روش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز اتفاق افتاده است. در حفاری سال ۱۳۷۹ که نگارنده نیز عضو هیأت باستان‌شناسی مسجد کبود بود، طبق هماهنگی قبلی، بعد از اتمام فصل حفاری، از طریق شبکه تلویزیونی استانی، روز بازدید به اطلاع مردم رسید. در طی دو روز افراد بی‌شماری از این محوطه ۳ هزار ساله دیدن کردند. این گورستان تأثیر بسیار عمیقی بر بازدیدکنندگان داشت و شوق و هیجان مردم در این محوطه غیرقابل توصیف بود.

یکی دیگر از محل‌های اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در باستان‌شناسی موزه‌ها هستند. موزه‌ها بعنوان یک محل مشخص و سازمان یافته در جهت تبادل افکار مردم باستان با جوامع امروزی نقش اصلی را ایفا می‌کند (Downvn and Price 1999: 230) علاوه بر موزه بناهای تاریخی و باستانی و نقاشی‌های صخره‌ای و تپه‌های بی‌شمار پیش از تاریخ در ایران نقش عمده‌ای در پرورش عمومی داشته و دارند. لازمه عملی شدن این خواسته به همکاری میان رشته‌ای بستگی دارد.

در حال حاضر، کاربرد باستان‌شناسی در آموزش و پرورش بویژه در حوزه علوم انسانی و هنر بایسته است. طی بررسیها و گفتگوهائی که با دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان داشتیم، اکثر آنها در مورد دروس مهم و سرنوشت‌سازی مثل تاریخ و هنر و سایر دروس علوم اجتماعی بسیار بی‌رغبت و بی‌اطلاع بودند حتی، در بسیاری موارد مفهوم تاریخ، پیش از تاریخ و آغاز تاریخی، نحوه پدید آمدن خط و کتابت، واژگان، تحول و تکامل فرهنگی و تغییرات فرهنگ‌ها در طول زمان و... را درک نکرده بودند. شاید از شاخص‌ترین دلایل پیدایی این وضعیت؛ بیان شفاهی تاریخ باشد. تاریخی که به

صورت سلسله‌ای از مباحث حوادث گونه با سرگذشت شکست‌ها یا توصیف پیروزیهای شاهان و حکمرانان بوده است. آنچه این وضعیت را دگرگون می‌سازد، همکاری حوزه‌های باستان‌شناسی و آموزش و پرورش است. از این‌رو، بازدید دانش‌آموزان از موزه که آثار پارینه‌سنگی تا عصر حاضر را در خود جای داده است موجبات آشنایی آنان با باستان‌شناسی را فراهم آورده، معضلات درک علوم انسانی آنان را حل می‌کند. در واقع، در موزه‌ها، دانش‌آموز، فقط خواننده تاریخ نیست بل با چشم خویش واقعیت عینی آنرا مشاهده می‌کند.

۲- کاربرد تکنولوژیکی

از مهمترین کاربردهای باستان‌شناسی، کاربرد تکنولوژیکی آن است. چنانکه در کشورهای پیشرفته؛ داده‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی، برای پاسخگویی به مسایل تکنیکی خاص به کار گرفته می‌شود (Dowhun and price 1999).

هنر سفالگری، معماری، فلزکاری، نقوش سفالهای دوران پیش از تاریخ، کوره‌های سفالگری و فلزگری دوران باستان همواره، از لحاظ تکنیکی مورد بررسی قرار گرفته و تجربه‌های دقیق و آموزنده‌ای را در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

از جمله کاربردهای تکنولوژیکی باستان‌شناسی می‌توان به همکاری میان رشته‌ای یک باستان‌شناس با یک پزشک اشاره کرد. آقای شیتز^(۱) باستان‌شناس دانشگاه کلرادو آمریکا با مطالعه ابزارهای سنگی پیش از تاریخ تمدن مایا نتیجه گرفت که تیغه‌های نازک ابسیدین (یک نوع شیشه معدنی) برای برشهای جراحی بسیار مناسب است. زیرا، ابزارهای ابسیدینی تازه‌تراش خورده، پانصد بار تیزتر از بهترین چاقوهای استیل جراحی امروز است، در ضمن خطر عمل جراحی با آنها کمتر و مریض درد کمتری احساس می‌کند، محل زخم نیز زودتر التیام می‌یابد بدین‌سان، شیتز، با همکاری باستان‌شناس بعلاوه، پزشکی بنام هارد نبرک توانست تیغه‌های ابسیدین را برای جراحی تولید کند.

۳- کاربرد باستان‌شناسی در وحدت فرهنگی و ملی

گروهی از پژوهشگران در تلاش‌اند به کمک باستان‌شناسی نشان دهند که مردمان، همگی از ریشه واحد در دیرینه سنگی برخاسته‌اند^(۱) (Conrog, 1997). به کمک باستان‌شناسی می‌توان به همبستگی جهانی دست یافت و تردیدی نیست که از این طریق می‌توان به ارتباط مناطق مختلف و برهم کنش آنها در گذشته پی برد (دارک ۱۳۷۹: ۴۰-۴۱). وقتی به کمک باستان‌شناسی آثار و بقایای فرهنگ‌های گذشته مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد، مشترکات و ارتباط نزدیکی بین سبک‌های هنری و تکنیک‌های ساخت ابزار وجود دارد. هر قدر به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم این مشترکات کمتر و منطقه‌ای‌تر می‌شود. همه این مشترکات در باستان‌شناسی دلیلی بر ارتباط و استمرار فرهنگی ملت‌های مختلف است. چنین مشترکاتی در کشورمان ایران بسیار زیاد است.

بنابراین، می‌توان به کمک داده‌های باستان‌شناسی بسیاری از سوء تفاهم‌های فرهنگی را برطرف و زمینه را برای وحدت فرهنگی و ملی آماده کرد. پس، موزه‌ها یکی از مهمترین مراکزی هستند که وحدت فرهنگی را بدون هیچگونه تحریفی در آن می‌توان مشاهده کرد.

۴- کاربرد باستان‌شناسی در مدیریت منابع فرهنگی

اصطلاح مدیریت منابع فرهنگی در اوائل دهه ۱۹۷۰ در آمریکا توسعه یافت. اولین بار دن فاولر^(۲) در سال ۱۹۷۱ اصطلاح منابع فرهنگی را به متخصصان اداره پارک ملی نسبت داد و کلمه مدیریت در سال ۱۹۷۴ در طی کنفرانس با عنوان مدیریت منابع فرهنگی در دنور^(۳) به آن اضافه شد (Ellis 2000: 138).

مدیریت منابع فرهنگی در نوشته‌های اولیه محققین، حوزه بسیار وسیعتری از

۱- این نظریه تحت عنوان کشتی نوح یا نظریه حوا نیز در بین انسان‌شناسان رایج است.

محوطه‌ها و داده‌های باستان‌شناسی را شامل می‌شد. به طوری که علاوه بر محوطه‌های باستانی شامل مؤسسات اجتماعی و هنر مردمی، هنرها و صنایع دستی، معماری سنتی (حتی مدرن)، آداب و رسوم، مسائل مربوط به همسایگی و هم‌جواری و قوانین مربوط به حفاظت و مرمت بناهای باستانی و... هم می‌شد. این سابقه نشان می‌دهد برای بهبود وضعیت مدیریت منابع فرهنگی کشورمان نیاز به همکاری (میان رشته‌ای) باستان‌شناسان و متخصصین سایر علوم مرتبط داریم تا بتوانیم با شناسائی منابع فرهنگی کهن در کشوری که مهد فرهنگ و تمدن قسمت وسیعی از جهان بوده است، قدمهای مؤثری برداریم.

۵- کاربرد باستان‌شناسی در جلب جهانگرد فرهنگی

لوئیس ترنر^(۱) گردشگری بین‌المللی را «امیدبخش‌ترین، پیچیده‌ترین و جایگزین‌ترین صنعتی که جهان سوم با آن روبرو است» توصیف می‌کند او می‌گوید: با وجود این تنها در سالهای اخیر است که گردشگری، در کنار اقتصاد سنتی، در متون علمی جهان سوم جایگاه خود را یافته است (لی ۱۳۷۸:۱).

آنچه جهانگردی فرهنگی را از سایر انواع جهانگردی متمایز می‌کند، انگیزه و اهداف گردشگران است. این نوع گردشگران به دنبال درک و تأمل در آثار و بقایای مردمان گذشته و آداب و رسوم جوامع بشری و لذت منطقی و عقلانی از جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی کشور میزبان هستند. امروزه، شمار این نوع جهانگردان، در سراسر جهان از سایر انواع جهانگردی بیشتر است. پس، شاید بتوان گفت که تنها حلقه اتصال منطقی بخش میراث فرهنگی با بخش جهانگردی، جهانگردی فرهنگی است. ادغام این دو بخش، به تعریف و شناخت دقیق مسئله جهانگردی فرهنگی و شفافیت روابط این دو سازمان کمک خواهد کرد.

با ورود جهانگردی فرهنگی، روح تازه‌ای به کالبد آثار و بقای باستانی دمیده خواهد

شد، چراکه بسیاری از گردشگران فرهنگی به دنبال بُعدی فراتر از زیبایی‌شناسی هستند، آنها می‌خواهند فرهنگها را از نزدیک لمس کرده و آنها را بشناسند.

از این‌رو، بایستی باستان‌شناسی با کمک متخصصان مدیریت جهانگردی زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی کشور را برای جلب این نوع گردشگران مستعد نمایند. جهانگردی فرهنگی راههای صعب‌العبور گفتگوی تمدنها را بسیار سریعتر مساعد و آماده‌گفتگو خواهد کرد. در کشور ما، زمینه برای توسعه این نوع گردشگری، چه به لحاظ دینی و اعتقادی و چه از نظر فرهنگی، آثار باستانی و جاذبه‌های طبیعی بسیار مناسب و مستعد است. ارزش و اهمیت سیر و سیاحت در دین اسلام که مبدأ تاریخش بر مبنای هجرت است، بسیار بیشتر از آن چیزی است که تصور می‌کنیم. اگرچه در بسیاری از ادیان آسمانی سفارش به سیر و سیاحت شده است ولی در دین اسلام این نوع سفر بایستی با تأمل دقیق و علمی در طبیعت و آثار و بقایای باستانی صورت بگیرد. بطوریکه هفت آیه مبارکه در قرآن کریم با کلمه «سیروا» آغاز شده‌اند که دلالت بر امر گردشگری می‌کند (دیلمانی ۱۳۷۸). بعنوان مثال خداوند در آیه ۲۰ سوره مبارکه عنکبوت می‌فرماید: «قال سیروا فی الارض فانظرو کیف بدالخلق...» معنی آیه «در زمین سفر کنید و بنگرید که خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرد...» با کمی تأمل می‌توان دریافت این آیه مبارکه حتی جهانگردی طبیعت را به تأمل دعوت می‌کند. همچنین در آیه ۹ سوره مبارکه روم می‌فرماید: «آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینانشان را بنگرند...» با توجه به آیه فوق می‌توان دریافت که تأکید بر حفظ آثار و کشف آثار باستانی و به معرض نمایش گذاشتن آنها جهت عبرت گرفتن، در قرآن کریم بسیار تأکید شده است. چراکه مشاهده عاقبت پیشینیان لازمه‌اش وجود بقایای مادی و معنوی آن مردمان است.

موزه‌ها، سایت موزه‌ها، پارک موزه‌ها و سایر محوطه‌ها باستانی از مهمترین مراکزی هستند که در قلب جهانگردی فرهنگی جای می‌گیرند. در موزه‌ها گردشگران، طبقات اجتماعی و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، و عدالت و شادبها، هنر، مذهب و سایر موضوعات زندگی یک ملت را از کهن‌ترین ایام تا به امروز مشاهده می‌کنند. گفتگوی

تمدن‌ها در موزه‌ها معنای واقعی و ملموس به خود می‌گیرد و تاریخ شفاهی به عینیت می‌رسد. داده‌های باستان‌شناسی عاری از هرگونه تحریف و دستکاری هستند و همه چیز را آنگونه در حیات واقعی خود بودند. نشان می‌دهد، چیزیکه گردشگران دنبال آن هستند.

امروزه در کشورهای پیشرفته و حتی در کشورهای در حال توسعه، حفاریها و کاوشهای باستان‌شناسی با نگاهی به صنعت جهانگردی صورت می‌گیرد و حتی قبل از اینکه طرح و پروژه حفاری نوشته شود با مشورت متخصصین سایر رشته‌ها، نحوه نمایش آثار و ورود جهانگردان به آن محوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پایان می‌توان گفت در کشور ما زمینه برای جلب جهانگرد فرهنگی بسیار مساعد است لیکن تنظیم برنامه مناسب برای حضور این جهانگردان نیاز مبرم به همکاری‌های علمی میان رشته‌ای دارد و باستان‌شناسی در این میان نقشی بنیادی دارد.

منابع

- ۱- دارک، کن، آر؛ مبانی نظری باستان‌شناسی؛ ترجمه کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۹.
- ۲- دیلمان، فریدون؛ گسترش جهانگردی در ایران بجای فروش نفت؛ نشر چشم‌انداز، ج اول، تهران ۱۳۷۸.
- 3- Berberian, Manuel and Roerts, veats; "contribution of archaeoligical data to studies of earth quake history in the iranian plateau"; journal of structural Geology, vol 23, pp 5r3-84.2001.
- 4- conroy, 6.c; reconstructing Human origins; www. Norton & company, u.s.a. 1997.
- 5- Downum, ch and laurie, price; "Appled archaeology"; Human organization, vol 58, pp 226-238.1999.
- 6- Ellis, linda; archaeological method and theory; an encyclopedia; the taylor and franceis; New York.2000.
- 7- vermoer, metal; "modern pollen studies in the territory of sagalassos (south west, turkey) and their use in the interpretation of alate holocene pollen diagramss; review of palaeobotany.2001